

تاریخچه آواز کار در آمریکا به قرن نوزدهم بازمی‌گردد. در آن زمان، آواز کار به عنوان یک نوع موسیقی محلی در میان کارگران و کشاورزان در مناطق جنوب شرق آمریکا رواج داشت. این نوع موسیقی با استفاده از سازهای ساده و ریتم‌های تند و پرانرژی، احساسات و تجربیات زندگی روزمره را بیان می‌کرد. آواز کار در طول قرن بیستم به یک فرم موسیقی رسمی‌تر تبدیل شد و در سبک‌های مختلف موسیقی آمریکا، از جمله بلوز، جاز و راک، تأثیر قابل توجهی داشت.

## ج - از

- ۳ -

### ریشه های فولکلوریک

#### ۱ - آواز کار

یکی از انواع موسیقی آفریقائی که در امریکا جای خود را باز کرده است نوعی موسیقی است که امریکائیها بآن «آواز کار» می‌گویند. این آوازها دارای ضربهای مشخص و مرتبی است و به عقیده مورخان

#### ۱ - Worksong

۲ - لازم بیادآوری است که پروفور «ماربوس شنایدر» موزیکولوگ شهیر آلمانی منکر اصل موجودیت «موسیقی کار» در افریقا می‌باشد. نامبرده معتقد است که اگر فرض کنیم که این نوع موسیقی وارد امریکا شده و تبدیل به «موسیقی کار» گردیده است، باز نمی‌تواند دلیل بر این باشد که واقعا موقع کار نواخته می‌شده است. بنظر «شنایدر» با توجه به تمایل به کار دسته‌جمعی که در امریکا برخلاف افریقا زیاد دیده می‌شود، می‌توان پذیرفت که این موسیقی بوسیله نژاد امریکائی تبدیل به «موسیقی کار» گردیده است.

کارگران راه آهن سرتاسری امریکا و نیز هیزم شکن های بومی آنرا بصورت آواز جمعی اجرا می کرده اند. معروف است که کارفرمایان کارگران خود را وادار می کردند که موقوف کار این آوازه ها را بخوانند؛ چه آنان معتقد بودند که ضرب سریع این آوازه ها با سرعت کار و ازدیاد محصول نسبت مستقیم دارد.

« آواز کار » معمولا یکصدا خوانده می شد و ملودی آن از چند جمله کوتاه تشکیل می گردید که بطور مرتب تکرار می شد. این آواز با همه سادگی از یک قدرت جادویی برخوردار بود و برای خواندن آن معمولا یک نفر ( سرکارگر ) یکی از بندها را شروع می کرد و پس از آنکه « سلو » ی او تمام می شد کارگران بطور دسته جمعی همان آهنگ را تکرار می کردند و در واقع جواب او را میدادند.

مضمون شعر این آواز متغیر بود. گاه شخص دوستانش را بکار تشویق می نمود، زمانی از آنها شکایت می کرد و گاهی هم از همکارانش میخواست که علیه کارفرما اعتصاب نمایند و از کار دست بکشند.

این شکل اجرای آواز را می توان بگونه « آنتی فونی »<sup>۱</sup> بداهه دانست که در واقع همان آواز « آنتی فونی » افریقائی است که در قرن هفدهم بوسیله بومیان افریقائی وارد امریکا شد.

این موسیقی بمرور ایام در امریکا رواج پیدا کرد و سیستم « سؤال و جوابی »<sup>۲</sup> آن یکی از انواع مختلف موسیقی بومیان امریکا گردید.

### ۴- سپریچوال<sup>۳</sup>

پس از مهاجرت سفید پوستان به امریکا و استقلال آن کشور، سیاهان بتدریج تحت فشار قرار گرفتند و اکثر آنان برده و غلام سفید پوستان شدند. آنان برای آنکه ناراحتی های روحی خود را از یاد برند، برب النوع های خود متوسل شدند و چون موسیقی از عوامل اصلی عبادت سیاهان بود و نقش مهمی را در معتقدات آنان بازی می کرد، پس با زبان شعر و موسیقی دردهای خود را بازگو کردند و برای فرار از غم و رنجی که

۱ - Antiphonie ( صداهای متقابل ) . در کلیساهای کاتولیک مبارله آوازه را بین کشیش و دسته کر « آنتی فونی » خوانند. در موسیقی هم اصطلاح « فواصل آنتی فونی » وجود دارد که همان فاصله اکتاو و اکتاو دو بل می باشد.

۲ - Call and response - ۳ Spritual

نهارا احاطه کرده بود بخواندن آواز مشغول شدند .  
 با گذشت زمان سیاهان آئین مسیح را پذیرفتند و از آن پس باخدایان  
 تازه راز و نیاز می کردند . این خدایان عبارت بودند از پیامبران متعدد که  
 نامشان در تورات ( عهدعتیق ) ذکر شده بود و حضرت عیسی در رأس آنان  
 قرار داشت . باین ترتیب صورت ظاهر و مفهوم معتقدات سیاهان عـوض شد ولی  
 طریقه عبادت آنان و راز و نیازشان باخدایان جدید بهمان صورت سابق باقی ماند .  
 حضرت مسیح و زندگی مشقت بار او زبان گویای سیاهان امریکائی  
 بود؛ زیرا آنان نیز در زیر فشار ظلم و جور سفیدپوستان خورد شده و همچون  
 حضرت مسیح باغم ورنج خو گرفته بودند . سیاهان در کلیساهای کوچک و  
 سفید رنگ خود مسیح را می پرستیدند و برای همدردی با وی و جلب رحم و  
 شفقت او آواز میخواندند و آلام درونی خویش را تسکین می دادند .  
 این نوع آواز که به موسیقی مذهبی سیاهان بستگی داشت «سپریچوال»  
 نامیده می شد و غالباً بصورت «پنتاتونیک» بود و فورم مشخصی داشت . نمونه  
 این آهنگهای مذهبی جهت ملاحظه خوانندگان عزیز درج می شود .

"Swing Low, sweet Chariot."



این نوع آواز و آوازهای دیگری از این قبیل بقدری جذاب و مؤثر  
 بود که در مدتی کوتاه دوستداران زیادی پیدا کرد و مشتاقان بسیاری یافت .  
 اروپائیان مقیم امریکا نیز برای اینکه آوازهای بومی را بروی صحنه آورده  
 و بگوش علاقمندان برسانند ؛ دست بکار ساختن آهنگهایی با استفاده از  
 ترانه های سیاه پوستان شدند و قطعاتی برای آواز جمعی و آواز تنها و پیانو  
 بوجود آوردند . البته این آهنگها آنطور که باید و شاید موسیقی «سپریچوال»  
 را بیان نمی کند ، بلکه جنبه روحانیت و اصالت آنرا از دست داده و بصورت  
 بازاری و عامه پسندی درآمده است .

کارگران راه آهن سرتاسری امریکا و نیز هیزم شکن های بومی آنرا بصورت آواز جمعی اجرا می کرده اند. معروف است که کارفرمایان کارگران خود را وادار می کردند که موقع کار این آوازه ها را بخوانند؛ چه آنان معتقد بودند که ضرب سریع این آوازه ها با سرعت کار و ازدیاد محصول نسبت مستقیم دارد.

« آواز کار » معمولا یکصدا خوانده می شد و ملودی آن از چند جمله کوتاه تشکیل می گردید که بطور مرتب تکرار می شد. این آواز با همه سادگی از یک قدرت جادویی برخوردار بود و برای خواندن آن معمولا یک نفر ( سرکارگر ) یکی از بندها را شروع می کرد و پس از آنکه « سلو » ی او تمام می شد کارگران بطور دسته جمعی همان آهنگ را تکرار می کردند و در واقع جواب او را میدادند.

مضمون شعر این آواز متغیر بود. گاه شخص دوستانش را بکار تشویق می نمود، زمانی از آنها شکایت می کرد و گاهی هم از همکارانش میخواست که علیه کارفرما اعتصاب نمایند و از کار دست بکشند.

این شکل اجرای آواز را می توان بگونه « آنتی فونی »<sup>۱</sup> بداهه دانست که در واقع همان آواز « آنتی فونی » افریقائی است که در قرن هفدهم بوسیله بومیان افریقائی وارد امریکا شد.

این موسیقی بمرور ایام در امریکا رواج پیدا کرد و سیستم « سؤال و جوابی »<sup>۲</sup> آن یکی از انواع مختلف موسیقی بومیان امریکا گردید.

### ۴- سپریچوال<sup>۳</sup>

پس از مهاجرت سفید پوستان به امریکا و استقلال آن کشور، سیاهان بتدریج تحت فشار قرار گرفتند و اکثر آنان برده و غلام سفید پوستان شدند. آنان برای آنکه ناراحتی های روحی خود را از یاد برند، برب النوع های خود متوسل شدند و چون موسیقی از عوامل اصلی عبادت سیاهان بود و نقش مهمی را در معتقدات آنان بازی می کرد، پس با زبان شعر و موسیقی دردهای خود را بازگو کردند و برای فرار از غم و رنجی که

۱ - Antiphonie ( صداهای متقابل ) . در کلیسای کاتولیک مبارله آوازه را بین کشیش و دسته کر « آنتی فونی » خوانند . در موسیقی هم اصطلاح « فواصل آنتی فونی » وجود دارد که همان فاصله اکتاو و اکتاو دو بل می باشد .

۲ - Call and response - ۳ - Spritual

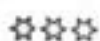
نهارا احاطه کرده بود بخواندن آواز مشغول شدند .  
 با گذشت زمان سیاهان آئین مسیح را پذیرفتند و از آن پس باخدایان  
 تازه راز و نیاز می کردند . این خدایان عبارت بودند از پیامبران متعدد که  
 نامشان در تورات ( عهدعتیق ) ذکر شده بود و حضرت عیسی در رأس آنان  
 قرار داشت . باین ترتیب صورت ظاهر و مفهوم معتقدات سیاهان عوض شد ولی  
 طریقه عبادت آنان و راز و نیازشان باخدایان جدید بهمان صورت سابق باقی ماند .  
 حضرت مسیح و زندگی مشقت بار او زبان گویای سیاهان امریکائی  
 بود؛ زیرا آنان نیز در زیر فشار ظلم و جور سفیدپوستان خورد شده و همچون  
 حضرت مسیح باغم ورنج خو گرفته بودند . سیاهان در کلیساهای کوچک و  
 سفید رنگ خود مسیح را می پرستیدند و برای همدردی با وی و جلب رحم و  
 شفقت او آواز میخواندند و آلام درونی خویش را تسکین می دادند .  
 این نوع آواز که به موسیقی مذهبی سیاهان بستگی داشت «سپریچوال»  
 نامیده می شد و غالباً بصورت «پنتاتونیک» بود و فورم مشخصی داشت . نمونه  
 این آهنگهای مذهبی جهت ملاحظه خوانندگان عزیز درج می شود .

"Swing Low, sweet Chariot."



این نوع آواز و آوازهای دیگری از این قبیل بقدری جذاب و مؤثر  
 بود که در مدتی کوتاه دوستداران زیادی پیدا کرد و مشتاقان بسیاری یافت .  
 اروپائیان مقیم امریکا نیز برای اینکه آوازهای بومی را بروی صحنه آورده  
 و بگوش علاقمندان برسانند؛ دست بکار ساختن آهنگهایی با استفاده از  
 ترانه های سیاه پوستان شدند و قطعاتی برای آواز جمعی و آواز تنها و پیانو  
 بوجود آوردند . البته این آهنگها آنطور که باید و شاید موسیقی «سپریچوال»  
 را بیان نمی کند ، بلکه جنبه روحانیت و اصالت آنرا از دست داده و بصورت  
 بازاری و عامه پسندی درآمده است .

بدین ترتیب مفهوم اصلی موسیقی « سپریچوال » که پاکی، انزوا، ناکامی و غیره را می‌رساند، از بین رفت و از آن پس شنونده عامی بدون توجه باین نکته که آهنگهای مزبور به معتقدات مذهبی سیاهان ارتباط دارد، آنرا بعنوان يك آهنگ روز و يك اثر جالب می‌شنید. استقبال این شنوندگان باعث شد که آهنگسازان حرفه‌ای جری‌تر شدند و آثار جدیدی بعنوان موسیقی « سپریچوال » ساختند و آنرا بعنوان آهنگ روز تحویل مردم دادند.



گفتیم که سیاهان پس از گرویدن به آئین مسیح در ظاهر معتقدات خود تغییر دادند ولی اصول کلی عقاید آنان بهمان صورت سابق باقی ماند. بومیان امریکائی در معتقدات قدیمی خود زندگی در عالم بهتری را می‌جستند و معتقد بودند که این عالم در آسمانها یا کرات دیگر قرار ندارد بلکه در همین جهان باید آنرا جستجو کرد. بهمین جهت برای دسترسی به محل ایده‌آل محتاج وسایلی بودند؛ بعبوات دیگر معتقدات آنان با عوامل موجود در دنیا بستگی داشت و از آنها جدا نبود.

همانطور که از مضامین آوازه‌های سیاهان مستفاد می‌شود آنان برای هر يك از معتقدات خود « سمبلی » دارند و عوامل موجود در محیط خویش را با « سمبل » های مختلف هماهنگ می‌دانند. مثلاً در مناجاتی که آرزوی رفتن به بهشت را می‌کنند از گاری عزیز خود یاد می‌کنند که وسیله عزیمت آنان به بهشت است. بهشتی که مورد نظر سیاهان است در آسمان های دور دست قرار ندارد، بلکه در گوشه‌ای از همین دنیا واقع است و این بهشت جایی است که در آن همه اشخاص خوب دور هم جمع می‌شوند و خداوند همچون پدر مهربانی آنان را نوازش میکند و بآنها سیگازهای گران قیمت «هاوانا» تعارف نموده و همه گونه وسایل مادی در اختیارشان می‌گذارد. این طرز تفکر را نباید مورد تمسخر قرار داد زیرا معتقدات سیاهان همچون خونی است که در رگهای آنان در جریان است و چه بسا که از معتقدات مذهبی مسیحیان قوی‌تر و پاک‌تر باشد. از طرفی نباید از نظر دور داشت که سیاهان به اصول تاریخی چندان پایبند نیستند و «زمان» در معتقدات آنان نقش مهمی را ایفا نمی‌کند.

برای بومیان اشکالی ندارد که مثلا مسیح را در زندگی روزمره خویش بطور جسمانی مجسم کرده و او را موجودی حاضر بدانند. آنان باین نکته اهمیت نمیدهند که مثلا رودخانه مقدس «اردن» در فلسطین جاری است. يك بومی آنچه را که می بیند می پذیرد، مثلا هنگامی که رودخانه «می سی سی پی» را می نگرد، همان را رودخانه «مقدس» فرض می کند و آنرا حد فاصل «زندگی» و «فنا» می شمارد و در وصف آن سرودهایی با مضامین مذهبی می سراید. در افسانه های باستانی راجع به اشخاص و اشیاء آن زمان بسیار شنیده و خوانده و باسانی می پذیرد که آن اشخاص و اشیاء همچنان موجود است. بنظر او «زمان» ناچیزتر از آن است که بتواند بین آنچه «بوده» و آنچه «هست» فاصله ای ایجاد نماید.



در آوازه های «سپریچوال» واقعی نکاتی وجود دارد که اطلاع از آنها برای فهم بیشتر اصول این موسیقی کمال اهمیت را دارد. در این آهنگها عوامل «جادویی»<sup>۱</sup> و «افسانه ای»<sup>۲</sup> درهم آمیخته اند و به صور مختلف ظاهر می شوند. از طرف دیگر افکار و عوامل «جهانی» و «روحانی» نیز لازم و ملزوم یکدیگر شده اند و از هم جدا نیستند. مثلا سیستم آوازی «آنتی فونی» و «سئوال و جواب» که معمولا در آوازه های غیر مذهبی «کار» سیاهان بکار میرود، در موسیقی «سپریچوال» هم دیده می شود؛ با این تفاوت که در این آوازه ها «سئوال و جواب» برخلاف آواز «کار» بین کشیش و حاضران صورت می گیرد. این طرز اجرای آوازه های مذهبی بخوبی نفوذ مذهب جدید را در تمدن بومی و طبیعی افریقائی نشان میدهد. لازم بیادآوری است که سیاهان در موقع عبادت تنها بفرم فوق الذکر توجه نداشتند، بلکه با اضافه کردن فریادها و تقویت ضربهای ضعیف آهنگ یا بهم زدن کف دستها، حالت خاصی به ترانه های عبادتی خود میدادند که از نظر آنان برای ستایش خالق لازم است.

علاوه بر عوامل فوق سیاهان برای نزدیکی بیشتر بخداوند، ملودی را از حالت اصلی خارج نموده و برطبق سنن پرستش اجداد خویش قسمت -

های بداهه‌ای بآن افزودند و با اضافه کردن حرکاتی که بتمام اعضای بدن خویش میدادند جنبه روحانی آمین خود را به حد اعلی رساندند .

همانطور که گفته شد آوازهای «سپریچوال» یکی از مشخص ترین فورم‌های آوازی امریکاست و سازندگان اصلی آن منحصرأ سیاهان افریقائی می‌باشند . این آوازها برور ایام در شهرهای بزرگ «کاراکتر» اصلی خود را ازدست داد و بشکلی دیگر در آمد . البته از بین رفتن اصالت آوازه‌های «سپریچوال» دلیل بر محو و زوال این موسیقی نبود ، بلکه در دهه چهارم قرن بیستم با استفاده از موسیقی غیراصیل «سپریچوال» فورم تازه آوازی بوجود آمد که «گاسپل سانگ»<sup>۱</sup> نام گرفت .

مرکز اصلی پیدایش این نوع آواز محله سیاه‌پوستان «هارلم» در نیویورک بود و علت واقعی ایجاد آن را دوری از ایالات جنوبی - که محل سکونت بیشتر سیاهان امریکاست - و رواج موسیقی جاز می‌توان دانست . این آوازها با ساز همراهی می‌شود و معمولاً یک‌زن آنها را اجرا می‌کند و طبیعی است که بسیاری از خصوصیات موسیقی «سپریچوال» را ازدست داده و غالباً اشعار عامه پسندی روی آنها ساخته می‌شود .

از مهمترین کسانی که در ترویج این نوع آواز دل‌مهمی به‌عهده داشته‌اند دو خواننده مشهور «جاکسون»<sup>۲</sup> و «تارپ»<sup>۳</sup> را نام باید برد که در حقیقت از پایه‌گذاران این مکتب بشمار می‌روند .

بقیه دارد

دکتر خاچی